

جرم‌شناسی اسلامی با رویکردی بر جرائم ناشی از نفرت مذهبی

سیدمحمدرضا موسوی فرد^۱، محمد احمدی کمرپشتی^۲

^۱دکتری حقوق جزا، عضو هیئت علمی گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی، سمنان، ایران، واضح‌گرایش جدید حقوق کیفری (جرم‌شناسی اسلامی) در ایران.

^۲دانشجوی مقطع دکترای تخصصی حقوق کیفری و جرم‌شناسی (phd)، دانشگاه آزاد اسلامی، سمنان، ایران.

نویسنده مسئول:

محمد احمدی کمرپشتی

چکیده

جرم‌شناسی، شاخه‌ای از علوم جنایی که با روش علمی و عینی به تحلیل علل و عوامل زیستی، روانی و اجتماعی پیدایش جرم، به هدف پیشگیری از وقوع جرم و اصلاح و درمان بزهکاران، می‌پردازد. جوامع انسانی همواره با مخالفت با قانون و هنجارشکنی اجتماعی روبه‌رو بوده‌اند. استمرار وقوع جرائم، به‌رغم اتخاذ تدابیر تنبیهی در برابر بزهکاران، از دیرباز اندیشمندان، فیلسوفان و مصلحان اجتماعی را بر آن داشته تا درباره ماهیت و علت ارتکاب جرم و چگونگی مقابله با آن راه‌حل‌هایی ارائه دهند. ولی مطالعه علمی جرم، به‌عنوان پدیده فردی اجتماعی، ره‌آورد تمدن جدید است. در ادوار پیشین، به مجازات مجرم بیش از علل جرم اهمیت داده می‌شد. علت ارتکاب پزه را اموری چون تقدیر، حلول ارواح خبیث، جهل و فقر و ثروت می‌دانستند و رفتار با بزهکاران غالباً با شدت و خشونت همراه بود. به نظر قاطبه عالمان مسلمان — جز برخی فرق اسلامی — انسان در رفتار و کردار خود اراده و اختیار دارد و تا زمانی که زوال اختیار او ثابت نشود از نظر کیفری مسئول شناخته می‌شود. از دیدگاه حقوق کیفری اسلام، ملاک اجرای بسیاری از مجازات‌ها (مانند حدود و قصاص) وجود مسئولیت کیفری است، در این مقاله سعی داریم علاوه بر تبیین جرم‌شناسی کیفری به موضوع جرم‌شناسی اسلامی پرداخته و در مورد جرائم ناشی از نفرت مذهبی نیز اشاراتی داشته باشیم.

کلمات کلیدی: جرم‌شناسی اسلامی، نفرت مذهبی، جرائم، حقوق کیفری.

مقدمه

بر پایه آموزه‌های قرآن و احادیث، انسان تربیت‌پذیر است و باید تربیت شود. همچنین بر تأثیر نَسَب، وراثت و محیط خانواده، و اطرافیان و جامعه بر منش و شخصیت افراد تأکید شده و وجود مجرمِ مادرزاد (بالفطره) - که در مکتب تحقیقی حقوق جزا پذیرفته شده است - مقبول نیست. (نهج البلاغه، نامه ۳۱) در نظام حقوق کیفری اسلام، در جرائمی که هنجارها و مصالح مهم جامعه را هدف قرار می‌دهند، یعنی جرائم مستوجب حدود، قصاص و دیات، از توجه به شخصیت بزهکار چشم‌پوشی می‌شود و قاضی حق ندارد به مجازاتی جز کیفر معین حکم کند، مگر آن‌که بزه دیده (مَجْنُونِ عَلَیْهِ) یا ولی او (در جرائم مستوجب قصاص و دیات) مجرم را عفو کنند، زیرا انگیزه قصاص و دیات، علاوه بر اجرای عدالت، تأمین حقوق بزه دیده هم هست و رضایت او موجب تخفیف یا نفی مجازات می‌شود. اما در جرائم مشمول تعزیر، از آن‌رو که هدف اصلی، اصلاح و تربیت و بازپروری بزهکار است، قاضی اختیار دارد که از بین مجموعه مجازات‌ها، مجازاتی را انتخاب کند که با شخصیت و اوضاع بزهکار و وقوع جرم تناسب دارد. در این مقاله یکی از موارد مهمی که می‌توان به آن اشاره نمود مسئله جرائم ناشی از نفرت مذهبی است. از این‌رو به تبیین آن خواهیم پرداخت.

سیر تاریخی جرم‌شناسی

جوامع انسانی همواره با مخالفت با قانون و هنجارشکنی اجتماعی روبه‌رو بوده‌اند. استمرار وقوع جرائم، به‌رغم اتخاذ تدابیر تنبیهی در برابر بزهکاران، از دیرباز اندیشمندان، فیلسوفان و مصلحان اجتماعی را بر آن داشته تا درباره‌ی ماهیت و علت ارتکاب جرم و چگونگی مقابله با آن راه‌حلی ارائه دهند. ولی مطالعه علمی جرم، به‌عنوان پدیده‌ی فردی - اجتماعی، ره‌آورد تمدن جدید است. در ادوار پیشین، به مجازات مجرم بیش از علل جرم اهمیت داده می‌شد. علت ارتکاب بزه را اموری چون تقدیر، حلول ارواح خبیث، جهل و فقر و ثروت می‌دانستند و رفتار با بزهکاران غالباً با شدت و خشونت همراه بود. (دانش، ص ۱۱-۱۳؛ مظلومان، ص ۸۳-۸۶) از نیمه‌های قرن یازدهم / هفدهم بارونق علوم چهره‌شناسی، جامعه‌شناسی و مطالعات انسان‌شناسی، تحقیقات علمی درباره علل ارتکاب جرم آغاز شد؛ از جمله درباره‌ی رابطه چهره با ویژگی‌های افراد، رابطه بیماری‌های روانی با جرم و تأثیر محیط جغرافیایی و وراثت بر وقوع جرم. (کی‌نیا، ج ۱، ص ۳۷۴-۳۸۸؛ دانش، ص ۱۳-۱۵؛ مظلومان، ص ۸۶-۸۸) در سده‌ی دوازدهم / هجدهم در اروپا، در پی اعتراض فیلسوفان و اصلاح‌گران اجتماعی به‌شدت مجازات‌ها و خودکامگی نظام کیفری، مکاتب گوناگونی در حقوق جزا پدید آمد. در سده سیزدهم / نوزدهم پیشرفت دانش بشری امکانات جدیدی برای بررسی ماهیت و علت وقوع جرم فراهم کرد. در اواخر همین قرن در ایتالیا سزار لمبروزو (پزشک، متوفی ۱۹۰۹/۱۳۲۷)، ۲، رافائل گاروفالو (قاضی، متوفی ۱۹۱۴/۱۳۳۲) و انریکو فری (حقوق‌دان و جامعه‌شناس، متوفی ۱۳۰۸ ش)، با تأثیرپذیری از داده‌های علمی جدید، مکتب تحقیقی حقوق جزا را بنیان نهادند. (صانعی، ج ۱، ص ۶۵-۶۶) اصول کلی این مکتب - که در حقوق کیفری تأثیر بسیاری گذاشت - عبارت بود از:

- (۱) نفی آزادی اراده انسان در فرایند ارتکاب جرم؛ یعنی ارتکاب یافتن جرم با تأثیرپذیری مجرم از علل و عوامل جرم‌زای درونی شامل نقص بدنی، روانی و زیستی و عوامل جرم‌زای بیرونی چون محیط‌های اجتماعی، خانوادگی و اقتصادی، بدون اختیار داشتن او؛
- (۲) انکار مسئولیت اخلاقی مجرم و پذیرش مسئولیت اجتماعی او؛
- (۳) ناعادلانه و غیرمفید بودن مجازات‌ها و پیشنهاد جایگزینی «اقدامات یا تدابیر تأمینی» برای اصلاح مجرمانی که «حالت خطرناک» دارند؛
- (۴) لزوم طبقه‌بندی بزهکاران، برای هماهنگ نمودن اقدامات تأمینی با شخصیت هر یک از آن‌ها، و نیز لزوم تحقیق در علل جرم باهدف کاهش ارتکاب آن. درواقع، رویکرد اصلی این مکتب، توجه به مجرم بود. (صانعی، ج ۱، ص ۶۷-۷۲؛ پرادل، ص ۹۰-۱۰۳؛ آنسل، ص ۱۹) بدین‌سان رشته جدیدی به وجود آمد که موضوع آن مطالعه و تبیین جرم و علل وقوع آن با استفاده از روش علمی و تجربی بود، نه گفتگوی صرف درباره اعمال مجرمانه. این رشته علمی ابتدا، تحت تأثیر مطالعات لمبروزو در مسئله ارتباط ارتکاب جرم با خصوصیات جسمی بزهکاران، انسان‌شناسی جنایی نام گرفت. اصطلاح جرم‌شناسی را نخستین بار در ۱۸۷۹/۱۲۹۶ دانشمند فرانسوی، توپینار، در کتاب خود به کاربرد و در ۱۸۸۵/۱۳۰۲ گاروفالو کتاب جرم‌شناسی را نوشت. (دانش، ص ۱۹؛ کی‌نیا، ج ۱، ص ۲-۳) از ۱۸۸۵/۱۳۰۲ تا آغاز جنگ جهانی اول، همایش‌های بین‌المللی سالیانه با عنوان مردم‌شناسی جنایی، در کشورهای اروپایی برگزار شد. به‌علاوه، گسترش آموزش علم جرم‌شناسی در دانشگاه‌ها و حجم زیاد تحقیقات و آثار مرتبط با آن، تأسیس مؤسسات جرم‌شناسی، انتشار نشریات متعدد درباره‌ی آن و ظهور آرا و مکاتب گوناگون در این علم، بیانگر موقعیت تثبیت‌شده جرم‌شناسی در میان سایر علوم است، هرچند درباره ماهیت آن به‌عنوان علم مستقل اختلاف نظر وجود دارد. (مظلومان، ص ۹۱-۹۹) جرم‌شناسی با تمام علوم راجع به بزه و بزهکاری ارتباط دارد، از جمله با حقوق کیفری، کیفرشناسی، سیاست جنایی و جرم‌یابی. هرچند جرم‌شناسی و حقوق کیفری، هر دو، به بررسی جرم می‌پردازند، از نظر موضوع، روش بررسی و تحقیق و اهداف تفاوت‌هایی دارند: در حقوق کیفری، به‌موجب «اصل قانونی بودن جرم» تنها عملی جرم به شمار می‌رود که

در قانون پیش‌بینی شده باشد، و به خصوصیات بزهکار و علل ارتکاب جرم پرداخته نمی‌شود و هدف آن مبارزه با جرم و درمان بزهکار از راه مجازات است؛ ولی جرم‌شناسی، افزون بر جرم قضایی، به بررسی ناهنجاری‌ها و انحرافات اجتماعی و اخلاقی نیز می‌پردازد، به علل و انگیزه‌ی وقوع جرم و شخصیت بزهکار توجه دارد و از راه مبارزه با علل و عوامل جرم، در درمان بزهکار و پیشگیری از وقوع جرم می‌کوشد. (کی‌نیا، ج ۱، ص ۱۴-۵۱) به‌رغم این تفاوت‌ها، جرم‌شناسی و حقوق کیفری ارتباط تنگاتنگی دارند. دستاوردهای دانش جرم‌شناسی منشأ تحولات شکلی و ماهوی گسترده‌ای در حقوق کیفری گردیده و موضوعاتی چون لزوم انطباق مجازات با شخصیت بزهکار، ضرورت اقدامات تأمینی و اجرای روش‌های جدید اصلاحی، تربیتی و درمانی، در حقوق کیفری پذیرفته شده است.

علمی که ساختار جرم‌شناسی را تشکیل می‌دهند و مقوم آن به شمار می‌روند، عبارت‌اند از: زیست‌شناسی کیفری (جنایی)، روان‌شناسی کیفری (جنایی) و جامعه‌شناسی کیفری (جنایی). زیست‌شناسی کیفری جنبه‌های زیست‌شناختی پدیده مجرمانه (یعنی خصوصیات زیستی و وراثتی بزهکار، از قبیل سن، جنس، نژاد و وراثت) را بررسی می‌کند. روان‌شناسی کیفری، خصوصیات روانی بزهکاران (از قبیل اختلالات رفتاری، شخصیتی و بیماری‌های روانی آن‌ها) را مطالعه می‌کند و جامعه‌شناسی کیفری، به بررسی عوامل اجتماعی مؤثر در ارتکاب جرم مانند مذهب، فرهنگ، خانواده، شغل، اقتصاد، تراکم جمعیت، مسکن، مطبوعات، جنگ و حکومت سیاسی می‌پردازد (شامبیاتی، ج ۱، ص ۱۲۱-۱۳۶).

جرم‌شناسی را مشتمل بر شاخه‌های نظری و کاربری گوناگون دانسته و از جمله آن را به شاخه‌های عمومی، اختصاصی و بالینی تقسیم کرده‌اند (رحیمی نژاد، ص ۲۱۱؛ دانش، ص ۲۲-۲۴).

در جرم‌شناسی بالینی، جرم‌شناس برای تشخیص حالت خطرناک یا آمادگی جنایی بزهکار، وی را از نظر زیستی، روانی و اجتماعی معاینه می‌کند و می‌آزماید و با تشکیل پرونده شخصیت برای او، قاضی را در اجرای صحیح عدالت کمک می‌کند. هدف جرم‌شناسی بالینی آگاهی از درجه حالت خطرناک، پیش‌بینی رفتار فرد در آینده و ارائه روشی است که باید، برای کاهش امکان تکرار جرم، در مورد او اجرا شود. امروزه این رویه، با توجه به ثمربخش بودن آن، در زندان‌های بیشتر کشورها وجود دارد، از جمله در ایران (مطابق آیین‌نامه اجرایی سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور) علم جرم‌شناسی، به‌رغم جوان بودن، از پویایی بسیار برخوردار است و گرایش‌های جدیدی در آن پدید آمده است. دولت ایران در ۱۳۳۷ ش، با تصویب مجلس شورای ملی، به عضویت مؤسسه بین‌المللی جرم‌شناسی درآمد. در ۱۳۴۵ ش مؤسسه جرم‌شناسی وابسته به دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران تأسیس شد که تاکنون فعال است. در شماری از کشورهای اسلامی هم مؤسسات جرم‌شناسی فعال‌اند (از جمله در مصر و ترکیه).

جرم‌شناسی در منابع اسلامی

به نظر قاطبه عالمان مسلمان - جز برخی فرق اسلامی - انسان در رفتار و کردار خود اراده و اختیار دارد و تا زمانی که زوال اختیار او ثابت نشود از نظر کیفری مسئول شناخته می‌شود. از دیدگاه حقوق کیفری اسلام، ملاک اجرای بسیاری از مجازات‌ها (مانند حدود و قصاص) وجود مسئولیت کیفری است، ولی این نکته به معنای بی‌اعتنایی به اخلاق و بی‌نظمی‌های افراد فاقد مسئولیت کیفری (مانند اطفال و دیوانگان) نیست و مثلاً اطفال بزهکار مشمول اقدامات تأدیبی به شمار رفته‌اند (شهید ثانی، ج ۹، ص ۲۲۲؛ نجفی، ج ۴۱، ص ۴۷۶).

بر پایه آموزه‌های قرآن و احادیث، انسان تربیت‌پذیر است و باید تربیت شود. همچنین بر تأثیر نسب، وراثت و محیط خانواده، و اطرافیان و جامعه بر منش و شخصیت افراد تأکید شده و وجود مجرم مادرزاد (بالفطره) که در مکتب تحقیق حقوق جزا پذیرفته شده است - مقبول نیست (نهج البلاغه، نامه ۳۱؛ کلینی، ج ۱، ص ۲۰).

در نظام حقوق کیفری اسلام، در جرائمی که هنجارها و مصالح مهم جامعه را هدف قرار می‌دهند، یعنی جرائم مستوجب حدود، قصاص و دیات، از توجه به شخصیت بزهکار چشم‌پوشی می‌شود و قاضی حق ندارد به مجازاتی جز کیفر معین حکم کند، مگر آنکه بزه دیده (مَجْنُونِ عَلَیْهِ) یا ولی او (در جرائم مستوجب قصاص و دیات) مجرم را عفو کنند، زیرا انگیزه قصاص و دیات، علاوه بر اجرای عدالت، تأمین حقوق بزه دیده هم هست و رضایت او موجب تخفیف یا نفی مجازات می‌شود. اما در جرائم مشمول تعزیر، از آن‌رو که هدف اصلی، اصلاح و تربیت و بازپروری بزهکار است، قاضی اختیار دارد که از بین مجموعه مجازات‌ها، مجازاتی را انتخاب کند که با شخصیت و اوضاع بزهکار و وقوع جرم تناسب دارد. اسلام، برای تحقق جامعه سالم، فقط به اجرای مجازات اکتفا نکرده و به عوامل دیگر برای پیشگیری از وقوع جرم و مقابله با آن هم پرداخته است. برخی از تدابیر پیشگیری از جرم در اسلام عبارت‌اند از: تقویت و تشویق به گرایش به معنویات و تقوا و پرهیز از دنیا محوری، تأکید بر اعتقاد داشتن به اصولی چون توحید و معاد و واقعیت پاسخگویی در محضر خداوند، نکوهش رذایل اخلاقی و تکریم فضائل اخلاقی، تشریح عباداتی چون نماز و روزه، تشریح امر به معروف و نهی از منکر، توصیه به آسان‌گیری ازدواج، تشویق به کار و فعالیت، جلوگیری از روش‌های غیرعادلانه کسب درآمد و تشویق به کارهایی چون انفاق و قرض‌الحسنه برای جبران فاصله طبقاتی میان فقرا و

ثروتمندان، تأکید بر لزوم ایجاد فضای سالم اجتماعی، وضع قوانین تکافل اجتماعی، تحریم مسکرات، منع از حضور در مجالس گناه و باز گذاشتن راه توبه برای مجرمان (احمدی ابهری، ص ۱۴۱-۱۴۳؛ قیاسی و همکاران، ج ۱، ص ۳۲۵-۳۲۷).

همچنان که امروزه تدوین‌کنندگان سیاست جنایی، به «بزه دیده شناسی - «با هدف تضمین حقوق زیان‌دیده از جرم، و جبران خسارت وارد شده بر او به گونه‌ی مؤثر - توجه می‌کنند، در فقه کیفری اسلام هم جایگاه بزه دیده در نظر به جریان انداختن دعوای کیفری، مهم و اساسی قلمداد شده است، به طوری که در پاره‌ای جرائم، مانند سرقت و قذف، مجازات بزه‌کار تنها با درخواست بزه دیده صورت می‌گیرد (نجفی، ج ۴۱، ص ۵۵۰-۵۵۱). به علاوه، سیاست جنایی اسلام حاوی آموزه‌هایی برای حمایت از بزه دیده است، از جمله تأکید بر دفاع مشروع به عنوان حق مسلم بزه دیده؛ ضرورت آموزش و اطلاع‌رسانی به افرادی که به سبب وجود شرایط جرم‌زا در معرض خطرند؛ و ضرورت از بین بردن موقعیت‌های بزه دیدگی، مانند حفظ اموال خود و ایمن کردن آن‌ها برای دشوار شدن دسترسی بزه‌کار و کاهش وسوسه او به ارتکاب جرم. بر پایه فقه جزایی اسلام، اگر اموال کسی به سبب قرار نداشتن در جرم مناسب سرقت شود، حمایت کیفری از او کاهش می‌یابد. برخی دیگر از مصادیق فرار از موقعیت بزه دیدگی عبارت‌اند از: احتیاط در تدوین و تنظیم قراردادها و اسنادی که منشأ حق و تکلیف‌اند؛ دقت در گزینش فردی که به او اعتماد می‌شود؛ و اعتماد نداشتن بی‌مورد به اشخاص، برای پرهیز از وقوع جرائمی چون کلاهبرداری و خیانت‌درامانت.

برخی آموزه‌های دینی و اخلاقی برای کاهش بزه دیدگی است، از جمله تأکید بر ظلم‌ستیزی و ستم‌ن‌پذیری؛ ترویج فرهنگ صبر و مدارا در برابر بزه‌کاران، به منظور پیشگیری از تبدیل بزه‌کاری نوع خفیف (مانند توهین) به نوع شدید (مانند ضرب و جرح یا قتل)؛ رعایت پوشش شرعی و مناسب از سوی افراد جامعه، به ویژه زنان، برای حفظ امنیت فردی و اجتماعی؛ حمایت‌های ویژه از گروه‌های آسیب‌پذیر اجتماعی، مانند اطفال (صغار)، به خصوص کودکان بی‌سرپرست (ایتام) و لزوم جلوگیری از حیف و میل شدن اموال آنان. (میرخلیلی، ص ۸) هر چند امروزه ارتکاب جرم و بزه‌کاری اشکال جدیدی یافته، با تکیه بر آموزه‌های دینی برآمده از متون اسلامی و استنباط فقهی مبتنی بر منابع اجتهاد، همراه با یافته‌های جدید علمی دانشمندان می‌توان به پیشگیری از وقوع این جرائم و مقابله با آن‌ها مبادرت کرد. اصل صد و پنجاه و ششم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، اقدام مناسب برای پیشگیری از وقوع جرم و نیز اصلاح مجرمان را از جمله وظایف قوه قضائیه دانسته است.

جرم‌شناسی مذهبی

پدیده خشونت مذهبی اگر به مثابه یک جرم تعریف گردد، مانند هر جرم دیگری دو عامل دخیل در پدیده مجرمانه می‌یابد: در یکسو مجرم و در سوی دیگر قربانی. در جرائم عمدی طبیعتاً انگیزه‌های درونی مجرم را به سوی ارتکاب عمل مجرمانه می‌کشاند که در اصطلاح حقوقی به آن «رکن معنوی جرم» می‌گویند.

جرم ناشی از نفرت مفهومی اجتماعی است که ارسال‌های آغازین دهه ۹۰ میلادی در کشورهای غربی وارد ادبیات حقوق کیفری گردید و گونه‌ای جدید از تقسیم‌بندی جرائم را بر اساس انگیزه مجرم برای ارتکاب جرم، ارائه نمود. در این‌گونه جرائم آنچه مجرم را به سوی قربانی می‌کشاند، کسب منفعت یا کینه و خشونت علیه شخص قربانی نیست. چه بسا مجرم، قربانی خود را شناسد و تنها بر اساس نفرتی که از دسته‌ای از انسان‌ها دارد، او را انتخاب کرده است. این نفرت نیز می‌تواند بر اساس عقاید (شامل دین، یا هر ایدئولوژی دیگری)، نژاد، ملیت، قومیت، مذهب زبان، جنسیت یا حتی نقص عضو قربانی باشد. در مورد جرم ناشی از نفرت نیز اتفاق نظر وجود ندارد، در صورت تعریف مضیق آن، فقط نفرت‌های سازمان دار و خاصی را شامل می‌شود. با این تعریف، جرائم کمتری در این حوزه وارد خواهند شد، اما در صورت تعریف موسع آن، درصد بالایی از «جرائم میان گروهی»، جرم ناشی از نفرت محسوب خواهند شد. از طرف دیگر دسته‌ای به ذکر مصادیقی برای آن پرداخته‌اند که اگر پذیرفته شود، تعداد معدودی جرم همچون تجاوز جنسی یا آزار و اذیت را می‌توان جرم ناشی از نفرت دانست و اگر تخریب (خرابکاری) یا نوشته‌های دیواری مستهجن را که به علت اغراض شخصی یا گروهی ایجاد می‌شوند، جزء این جرائم بدانیم، این تعداد رو به فزونی خواهد نهاد (Hate Crimes, P.2). بسیاری از نهادها نیز در تعریف این‌گونه جرائم، انواع آن را بر شمرده‌اند که در حقیقت، تقسیمی بر اساس گروه‌های اجتماعی است که جانی یا قربانی به آن تعلق دارند. پلیس شهر بریستول انگلستان جرم ناشی از نفرت را چنین تعریف می‌کند: «جرم ناشی از تنفر هرگونه حادثه‌ای است که می‌تواند جرم کیفری باشد و ناشی از تعصب یا نفرت نسبت به شخصی به دلایل زیر است:

۱. جنسیت (شامل افراد) ۲. نژاد ۳. عقاید و مذهب ۴. تمایلات جنسی ۵. سن ۶. معلولیت

جرایم ناشی از نفرت در ایران

در ادبیات حقوقی ایران چنین اصطلاحی شناخته شده نیست و قوانین ایران نیز چنین تفکیکی بین جرائم در نظر نگرفته‌اند، اما ناآشنا بودن ادبیات حقوقی ایران با جرم ناشی از نفرت به معنای عدم وجود چنین انگیزه‌هایی در بین مجرمان این کشور نیست. در ایران نیز روزانه جرائمی رخ می‌دهد که از نوع جرم ناشی از نفرت می‌باشند.

اختلافات و درگیری‌های قومیتی، تنفر ناشی از اختلافات مذهبی، درگیری‌های مذهبی به‌خصوص در مناطق مرزی کشور به‌عنوان نمونه بمب‌گذاری در حسینیه‌ای در زاهدان در ۷ خرداد ۱۳۸۸ ش، عملیات انتحاری در چابهار روز تاسوعا در تاریخ ۲۴ آذر ۱۳۸۹ ش، و انفجار نارنجک در حسینیه‌ای در تربت‌جام در تاریخ ۱۸ دی ۱۳۸۷. و آتش زدن امام‌زاده‌ای در شهرستان سوادکوه مازندران ۱۳۹۶.

تبیین عوامل وقوع جرائم ناشی از نفرت

پس از شناخت این دسته از جرائم و ارائه گزارش‌هایی در این مورد در ایران و سایر کشورها و اشاره به برخی از اقدامات برای جلوگیری از جرائم این‌چنینی در کشورهای غربی، لازم است عوامل وقوع این دسته از جرائم نیز با نگاهی جرم‌شناسانه واکاوی شود. برای تبیین جرم‌شناسانه پدیده جرائم ناشی از نفرت چند نهاد باید به‌صورت مستقل مورد بررسی قرار گیرند که به نظر می‌رسد نقشی اساسی در وقوع و افزایش این‌گونه جرائم دارند؛ جرائمی که آثار آن بیش از سایر گونه‌های جرائم بر جامعه مشهود خواهد بود. سه نهاد دولت، دین و جامعه هرچند جدای از یکدیگر نیستند و وابستگی و همبستگی فراوان دارند، اما باید به‌منظور بررسی جرائم ناشی از نفرت، به‌صورت جداگانه مورد توجه قرار گیرند.

- نقش دولت‌ها و نفرت پراکنی سیاسی

دولت‌ها به معنای قدرت سیاسی حاکم در سرزمینی، در وقوع و گسترش این‌گونه از جرائم، در راستای منافع و اهداف خود، خواسته یا ناخواسته به چند صورت نقشی اصلی ایفا می‌کنند:

الف) تبلیغات سیاسی (پروپاگاندا) در جهت منافع دولت: معروف است که در سال ۱۶۶۲ م. پاپ گریگوری در کلیسای کاتولیک، تشکیلاتی را برای تبلیغ مسیحیت تأسیس نمود و آن را «پروپاگاندا» نامید، واژه‌ای که آن زمان به معنی کلی «تبلیغ» شناخته می‌شد و اختصاصاً در معنی «تبلیغ آیین مسیح» مصطلح گردید. البته به تدریج و تا هم‌اکنون در محافل و مراکز رسانه‌ای و عمومی جهان از آن به مفهوم تبلیغات سیاسی یاد می‌شود و امروزه نیز مراد از پروپاگاندا این معنای اخیر است. رقابت سیاسی دو دولت صفوی و عثمانی در کشورهای اسلامی نیز مصداقی از همین روش دولت‌ها محسوب می‌شود. جنگ و رقابت‌های سیاسی داخلی و خارجی پایان می‌پذیرد، دولت‌ها با یکدیگر صلح می‌نمایند، اما بذره‌های نفرت، ترس و خشونت‌هایی که در دل مردم خویش کاشته‌اند، روزبه‌روز قدرتمندتر می‌شوند و به بار می‌نشینند.

ب) عدم اعتماد به قانون: تأثیر دیگر دولت‌ها که به‌صورت غیرمستقیم موجب افزایش جرائم ناشی از نفرت می‌گردد، عدم اجرای قانون، ضعف عملکرد مجریان قانون یا اجرای سلیقه‌ای و موردی قانون نسبت به برخی و رها کردن دسته‌ای دیگر از مجرمان است که منجر به عدم اعتماد جامعه نسبت به قانون و اجرای آن می‌گردد.

وقتی جامعه از احقاق حق خود از طریق مجرای قانونی ناامید شود، خود نقش قاضی و مجری قانون را بر عهده خواهد گرفت و به احقاق حقوق پنداشته خود دست خواهد زد و آتش انتقام به‌صورت کور در بین گروه‌های مختلف و متعارض شعله‌ور می‌گردد.

راهکارها

جرایم ناشی از نفرت که بدون توجه به مرزهای کشورها گسترش می‌یابد و با پیشرفت و سرعت انتقال اطلاعات در عصر جدید، می‌تواند با سرعت بیشتری تکثیر شود، باید مورد توجه مطالعات و پژوهش‌های گوناگون قرار گیرد. برای ارائه راهکار در مقابله و کنترل این دسته از جرائم، به نظر می‌رسد باید از دو خاستگاه به این موضوع نگریسته شود.

نخست استفاده از تجارب کشورهای پیشرفته در مقابله با این جرائم است. در غرب که همواره با این موضوع درگیر بوده، اقدامات مؤثری صورت گرفته است. تشکیل سازمان‌های دولتی و مردم‌نهاد در این زمینه، کنترل پلیسی و قضایی این‌گونه جرائم، و پروژه‌های آموزشی ویژه کودکان موسوم به آموزش تحمل که با شناخت متقابل مانع به وجود آمدن حس ترس و نفرت در بزرگسالی اشخاص می‌گردد، از این دسته اقدامات است.

دومین خاستگاه، توجه به مفاهیم و آموزه‌های دینی و فرهنگی است که می‌تواند علیه این‌گونه خشونت‌ها شناسایی و تجهیز شوند. مانند تسامح مذهبی، اصل آزادی اجتهاد، اصل آزادی مذهب در شریعت، به رسمیت شناخته شدن استنباط‌های روشمند از دین، و اصول

گفتگوی بین‌الادیانی و بین‌المذهبی در اسلام. در ایران با توجه به تنوع فرهنگی، مذهبی و دینی و مهاجرپذیری از یکسو و قرار گرفتن در منطقه پرآشوب غرب آسیا از سوی دیگر، خطر گسترش این نوع از جرائم همواره وجود داشته است که لازم است برای جلوگیری از جرائم ناشی از نفرت، اقدامات همه‌جانبه‌ای صورت پذیرد. لازم است «انگیزه ناشی از نفرت» در قوانین جزایی به‌عنوان یک عامل مشدد کیفر در نظر گرفته شود و در تحقیقات پلیسی و جنایی، پژوهش‌های لازم در مورد توصیف و تبیین این پدیده انجام گیرد. با اقدامات پلیسی گروه‌های نفرت‌شناسایی شوند. سازمان‌های دولتی و مردم‌نهاد با فرهنگ سازی و به‌ویژه آموزش و آگاهی بخشی به کودکان، فرهنگ تساهل، رواداری، سعه‌صدر و تحمل مخالف را گسترش دهند. از قرائت‌های خشن و برانگیزاننده نفرت توسط نهادهای مذهبی همه مذاهب اسلامی جلوگیری به عمل آید و در نهایت ظرفیت‌های صلح‌آفرین فرهنگ و تمدن اسلامی، مورد تأکید قرار گیرد.

نتیجه‌گیری

۱- جرم ناشی از نفرت مفهومی نوین در ادبیات حقوقی جهان تلقی می‌شود و آن دسته از اقدامات مجرمانه را دربر می‌گیرد که باوجود عناصر «نفرت»، «باور» یا «اعتقاد»، «غرض» یا «پیش‌داوری» و «تعلق قربانی به گروه یا دسته‌ای خاص» ارتکاب می‌یابند و طی آن، قربانی صرفاً به دلیل تعلق به گروه یا دارا بودن ویژگی طبیعی خاصی مورد جنایت واقع می‌شود. در بسیاری از کشورهای جهان این‌گونه از جرائم را به‌صورت ویژه پیگیری و کنترل می‌نمایند و آن را از جهات مشدد مجازات محسوب می‌کنند. چنین اصطلاحی در واژگان حقوقی ایران موجود نیست و قوانین خاصی در این مورد وجود ندارد، اما بسیاری از مصادیق آن به‌وضوح قابل‌درک است.

۲- در مورد چرایی وقوع چنین جرائمی، می‌توان با تقسیم عوامل مؤثر به سه نهاد دولت، دین و جامعه به بررسی آن پرداخت. دولت‌ها از دو طریق به این‌گونه جرائم دامن زده‌اند: یکی از راه پروپاگاندا یا تبلیغات سیاسی که بر اساس منافع در طول تاریخ وجود داشته و ریشه‌های تاریخی اثرگذاری از نفرت در جوامع برجا گذاشته است و دیگری عدم اجرای مناسب قانون که منجر به بی‌اعتمادی جامعه نسبت به آن و انجام اعمال خشونت‌آمیز و انتقام‌جویانه توسط خود مردم می‌شود. نهاد دینی به چند صورت در این مهم نقش داشته است: اولاً؛ در ماهیت مسائل اعتقادی و ایدئولوژیک، نفی دیگر اعتقادات و برحق دانستن عقیده خود وجود دارد که موجب احساس جدایی فرد دارای آن عقیده از دیگران در وهله اول و در مراحل بعد ایجاد احساس نفرت نسبت به دیگران می‌شود.

ثانیاً؛ تبلیغ دینی توسط متصدیان آن ایدئولوژی که برای حفظ سلطه و منافع خود دست به نفی دیگران می‌زنند و با «سخنان نفرت‌آمیز» در دل مخاطبان ایجاد ترس و نفرت می‌نمایند که در قالب «گروه‌های نفرت» نمایان می‌گردد و به انجام اعمال خشن منتهی می‌شود. ثالثاً؛ «جهل مقدس» نیز احساسی دینی است که در اثر تبلیغات دینی و تعصب و کینه اندیشی ایجاد می‌شود و به‌عنوان نیروی محرکه‌ای قدرتمند، شخص مجرم را به انواع جنایات وا می‌دارد. جامعه نیز با «برچسب‌زنی» به اشخاص و دسته دسته نمودن آن‌ها هرکس را در سبک گروهی قرار می‌دهد که ناخودآگاه با گروهی دیگر معارض است.

۳- برای حل این معضل باید اقداماتی دوسویه صورت پذیرد: اول استفاده از تجارب دیگر کشورها و دوم شناسایی مفاهیم و آموزه‌های دینی و فرهنگی که می‌تواند در مورد قرائت‌های خشن از دین به کار رود. اقدامات همه‌جانبه پژوهشی، قضایی، فرهنگی، تربیتی و مدیریتی در مقابله با این نوع فراگیر از جرائم باید انجام پذیرد.

منابع و مراجع

- آنسل، مارک (۱۳۶۶)؛ دفاع اجتماعی؛ ترجمه‌ی محمد آشوری و علی حسین نجفی ابرند آبادی، تهران.
- احمدی ابهری، محمدعلی (۱۳۷۷)؛ اسلام و دفاع اجتماعی؛ چاپ اول، قم.
- اردبیلی، محمدعلی (۱۳۸۲)؛ حقوق جزای عمومی؛ چاپ اول، تهران.
- پرادل، ژان (۱۳۷۳)؛ تاریخ اندیشه‌های کیفری؛ ترجمه‌ی علی حسین نجفی ابرند آبادی، تهران.
- خوبی، ابوالقاسم (۱۹۷۵ م)؛ مبانی تکملة المنهاج؛ نجف، افست، قم.
- دانش، تاج زمان (۱۳۸۱)؛ مجرم کیست، جرم‌شناسی چیست؛ جلد اول، تهران.
- دانشنامه جهان اسلام، زیر نظر غلامعلی حداد عادل، تهران: بنیاد دایرةالمعارف اسلامی، ۱۳۷۵ ش.
- رحیمی نژاد، اسماعیل (۱۳۷۸)؛ آشنایی با حقوق جزا و جرم‌شناسی؛ چاپ اول، قم.
- سیوطی، عبدالرحمان بن ابی‌بکر (۱۴۰۴ ه ق)؛ الدر المنثور فی التفسیر بالمأثور؛ ج ۶، قم.
- شامبیاتی، هوشنگ (۱۳۸۲)؛ حقوق جزای عمومی؛ چاپ دوم، تهران.
- شهید ثانی، زین الدین بن علی (۱۴۱۰ ه ق)؛ الروضة البهیة فی شرح اللمعة الدمشقیة؛ چاپ محمد کلاتر، نجف، افست، قم.
- صاعی، پرویز (۱۳۷۶)؛ حقوق جزای عمومی؛ چاپ اول، تهران.
- علی بن ابی‌طالب (علیه‌السلام) (بی تا)؛ نهج البلاغة؛ گردآورنده: سیدرضی، چاپ صبحی صالح، بیروت چاپ افست، قم.
- عوده، عبدالقادر (بی تا)؛ التشریح الجنائی الاسلامی مقارناً بالقانون الوضعی؛ قاهره: دار التراث العربی.
- قیاسی، جلال الدین، دهقان، حمید و خسروشاهی، قدرت الله (۱۳۸۵)؛ مطالعه‌ی تطبیقی حقوق جزای عمومی اسلام و حقوق موضوعه، چاپ اول، قم.
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۱ ه ق)؛ الکافی؛ چاپ علی اکبر غفاری، ج ۸، بیروت.
- کی‌نیا، مهدی (۱۳۸۲)؛ مبانی جرم‌شناسی؛ تهران.
- متقی، علی بن حسام الدین (۱۹۸۹ م)؛ کنز العمال فی سنن الاقوال و الافعال؛ چاپ بکری حیتانی و صفوة سقا، بیروت.
- مظلومان، رضا (۱۳۵۳)؛ جرم‌شناسی؛ کلیات، چاپ اول، تهران.
- الموسوعة الفقهیة، کویت: وزارة الاوقاف و الشؤون الاسلامیة، ج ۲۴، ۱۴۱۰/۱۹۹۰، ج ۳۳، ۱۴۱۶/۱۹۹۵.
- میرخلیلی، محمود (۱۳۸۵)، «بزه دیده‌شناسی پیشگیرانه با نگاه به سیاست جنایی اسلام»، فقه و حقوق، شماه یازدهم (زمستان).
- نجفی، محمدحسن بن باقر (۱۹۸۱ م)؛ جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام؛ ج ۴۱، چاپ محمود قوچانی، بیروت.
- نجفی ابرند آبادی علی حسین و هاشم‌بیگی، حمید (۱۳۷۷)؛ دانشنامه جرم‌شناسی؛ انگلیسی، فرانسه، فارسی، تهران.
- B. Jacobs, James & Potter, Kimberly, Hate Crimes: Criminal Law & Identity Politics, Oxford University Press, 1998
- FBI: www.fbi.gov/about-us/investigate/civilrights/hate_crimes
- National Crime prevention Council: www.ncpc.org/topics/hate-crime
- Southern Poverty Law Center: www.splcenter.org
- Stop Hate Crime: www.report-it.org.uk
- Stop Hate UK: www.stophateuk.org
- Strobl, rainer & Klemm, Jana & Wurtz, Stefanie, "Preventing Hate Crimes: experiences from Two East – German Towns", The British Journal of Criminology, Centre for Crime and Justice Studies, Vol.45, Issue 5, September 2005.
- Teaching Tolerance: www.tolerance.org
- The United States Department of Justice: www.justice.gov